

مغز مخاطبان اینترنشنال تخریب شده است

اگر چارچوب‌های داخلی اصلاح شود، مغزهای لگوساز برای داخل کشور بهتر از امریکایی‌ها تولید محتوا می‌کند

شرایط جنگی موجب شده تا اکثر افرادی که تا کنون در شبکه‌های اجتماعی فعال بودند و به نوعی از شبکه‌های اجتماعی داخلی استفاده نمی‌کردند، به طرف این شبکه‌های اجتماعی بیایند. این هجوم گسترده در کنار اینکه فرصتی برای آن‌هاست، البته برخی از مشکلات این شبکه‌های اجتماعی را نیز آشکارتر کرده است و باید از همین الان و تا فرصت هست، برای بهره‌برداری بیشتر از آنها اندیشیده شود. در این میان، فضای جنگی ثابت کرد ایرانیان توانایی این را دارند تا حتی در رسانه‌های خارجی نیز مخاطبین را به سمت خود جلب کنند. در گفت‌وگوی «جوان» با محسن ردادی، عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و جامعه‌شناس سیاسی، این مسائل بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است.



وقتی با جوانان صحبت می‌کنیم، یکی از محل‌های دریافت اطلاعات بخش زیادی از آنها مخصوصاً در قیبل از جنگ، اینستاگرام بود. امروز با تجربه‌ای که در مورد تأثیر انیمیشن‌های لگسو و میم‌های سفارت‌ها در میانه خارجی‌ها داشتیم، آیا ما نمی‌توانیم در این سکوی خارجی برای خودمان فضایی باز کنیم؟

در این خصوص دو نظر عمده وجود دارد. یکی اینکه می‌گویند: «بله، اصلاً عرصه فعالیت ما همین اینستاگرام است، باید باز شود و تمام ظرفیت‌ها به اینستاگرام، تیک‌تاک و سکوهای خارجی برده شود تا از این طریق جوان‌ها اطلاعات درست‌تری را دریافت کنند.» برخی دیگر در مقابل این نظر مطلقاً معتقدند که این سکوها اصلاً کارکردی ندارد و باید کوی به سمت سکوهای داخلی انجام شود و تولید محتوا در آنها انجام شود. تصور من این است که هر دوی این نگاه‌ها محکوم به شکست هستند. توضیح اینکه با شرایط فعلی و این نگاه‌ها تا حدی محدود و تنگ‌نظرانه، حتی کوچ به داخل هم می‌تواند یک سیاست شکست‌خورده تلقی شود. من هم معتقدم در سکوهای خارجی مانند اینستاگرام، اینقدر فضا، فضای ضدحقیقت و پروپاگاندا است که جایی برای بیان حداقل حقیقت هم نیست. مثلاً شما می‌توانید در اینستاگرام انواع و اقسام پست از مسعود رجوی بگذارید و هیچ کسی هم به شما چیزی نمی‌گوید و تمام این شبکه را می‌توانید پر از تصاویر رجوی قاتل کنید، ولی فقط اگر اشاره کوچکی به اسم شهید سلیمانی کنید، بلافاصله بسته می‌شود. این یعنی شما حداقل آزادی بیان را هم در اینستاگرام ندارید. در این شرایط، چیزی که به عنوان راه سوم پیشنهاد می‌کنم این است که سکوهای داخلی تقویت شوند. البته باید مقداری بازر و با تحمل بیشتر و قواعد جدیدتر به کار گرفته شوند. باید یکسری از قواعد مشخصی تعیین شود مانند اینکه شما حق نفرت‌پراکنی، آزار دیگران و توهین ندارید، اما دیگر غیر از این قوانینی که همه روی آن توافق دارند، هر چیزی که می‌خواهی در سکوهای داخلی بنویس و کسی هم مانع

شما نخواهد شد. در این صورت، هم یک فضای آزادتری نسبت به سکوهای خارجی می‌توانیم داشته باشیم، هم گفت‌وگوی ملی می‌تواند انجام شود و هم آن جهاد تبیین به درستی انجام می‌شود.

زمانی که دو نفری که با هم دیگر نگاه‌های متعاضی دارند، طرح بحث نکنند، امکان جهاد تبیین نیست. در حال حاضر در بله و اینا این گونه است که من دارم برای شما جهاد تبیین می‌کنم، شما برای من. مسئله این است که هر دوی ما در یک جبهه هستیم و به همین دلیل باید اجازه بدهیم که افراد منتقد و مخالف به این سکوها بیایند و با آزادی و امنیت کامل طرح موضوع بکنند و بعد هم پاسخشان را بدهیم. این مبنای قرآنی هم دارد. خداوند در قرآن می‌گوید یکی از مشرکین هم خواست بیاید در منطقه شما حرفی را بزند یا حرفی را بشنود، برایش فضای امن را مهیا کنید تا این مشرک حرفی را بزند و پاسخش را بگیرد و بعد هم به سلامت برگردد. بخواهیم این را تعمیم بدهیم، باید بگوییم که باید اجازه بدهیم همه آن ضد انقلاب‌ها و همه آن افرادی که مخالف جدی هم هستند، بتوانند در سکوهای داخلی فعالیت کنند. تندترین نقدها را به زبان خودشان بگویند، البته با رعایت مسائلی مانند اینکه توهین، نفرت‌پراکنی و آزارگری نباشد. غیر از این، تندترین نقدها را بگویند و پاسخش را دریافت کنند. این راه حل درست‌تری است و الا باز کردن سکوهای خارجی با بستن کامل آنها و اجبار افراد برای اینکه در سکوهای

شما نخواهد شد. در این صورت، هم یک فضای آزادتری نسبت به سکوهای خارجی می‌توانیم داشته باشیم، هم گفت‌وگوی ملی می‌تواند انجام شود و هم آن جهاد تبیین به درستی انجام می‌شود.

زمانی که دو نفری که با هم دیگر نگاه‌های متعاضی دارند، طرح بحث نکنند، امکان جهاد تبیین نیست. در حال حاضر در بله و اینا این گونه است که من دارم برای شما جهاد تبیین می‌کنم، شما برای من. مسئله این است که هر دوی ما در یک جبهه هستیم و به همین دلیل باید اجازه بدهیم که افراد منتقد و مخالف به این سکوها بیایند و با آزادی و امنیت کامل طرح موضوع بکنند و بعد هم پاسخشان را بدهیم. این مبنای قرآنی هم دارد. خداوند در قرآن می‌گوید یکی از مشرکین هم خواست بیاید در منطقه شما حرفی را بزند یا حرفی را بشنود، برایش فضای امن را مهیا کنید تا این مشرک حرفی را بزند و پاسخش را بگیرد و بعد هم به سلامت برگردد. بخواهیم این را تعمیم بدهیم، باید بگوییم که باید اجازه بدهیم همه آن ضد انقلاب‌ها و همه آن افرادی که مخالف جدی هم هستند، بتوانند در سکوهای داخلی فعالیت کنند. تندترین نقدها را به زبان خودشان بگویند، البته با رعایت مسائلی مانند اینکه توهین، نفرت‌پراکنی و آزارگری نباشد. غیر از این، تندترین نقدها را بگویند و پاسخش را دریافت کنند. این راه حل درست‌تری است و الا باز کردن سکوهای خارجی با بستن کامل آنها و اجبار افراد برای اینکه در سکوهای



داخلی با این شرایط سختگیرانه فعالیت کنند، هیچ کدام مطلوب نیست و به سرانجام هم نخواهد رسید.

اصلاً چقدر روی سکوهای داخلی همین الان نظارت داریم؟ یعنی شاید خیلی از فعالیت‌هایی که در این سکوها الان انجام می‌شود هم تحت نظارت نیست!

کاملاً درست است و به دلیل ضعف زیرساخت‌ها، ما حتی نظارت مؤثری هم نداریم. مثلاً در خیلی از سکوهای خارجی مانند اینستاگرام یا یوتیوب امکان انجوش فیلم‌های مستهجن و بسیار تحریک‌آمیز وجود ندارد، اما در همین سکوهای داخلی بعضی از متخصصان مدارکی را منتشر کرده‌اند که در آنها در حال حاضر دارد فیلم‌های بسیار مستهجنی به شیوه‌های مختلف بین افراد رد و بدل می‌شود و متأسفانه به خاطر اینکه هوش مصنوعی حرفی را بزند و پاسخش را بگیرد و بعد هم به مناسبی نیست که بر آنها نظارت کند، به شکل بدی این‌ها بگویند، ممکن است جلوی کانال او نیز ممکن نیست. حالا در حالی که خیلی در جلوگیری از این اتفاقات ناتوان هستیم، اما اگر فردی در کانال عمومی خود چهار تا کلمه علیه نظرات ما بگوید، ممکن است جلوی کانال او گرفته شود. به همین دلیل باید قواعدی تعریف شود و زیرساخت‌هایی برای آن فراهم شود که به خوبی و درستی این سکوها بتوانند نقش فضای عمومی را که هارماس در موردش صحبت می‌کند فراهم کنیم؛ یعنی یک فضای عمومی که افراد حرف‌های نقادانه خودشان

نسبت به هم را بزنند و بشنوند.

الان در جامعه فضایی وجود دارد که شما اگر وارد سکوی داخلی شدید، همه چیز شما چک می‌شود، در حالی که شما می‌فرمایید به دلیل کمبود زیرساخت‌ها، تصاویر مستهجن هم در این سکوها در حال انتشار است. دلیل این پدیده‌ی برخی نسبت به سکوهای داخلی چیست؟

من این مسئله را حاصل دو جریان می‌دانم که دارند کار می‌کنند. یک جریان به صورت کلی مخالف سکوی داخلی است و با سکوهای داخلی دشمنی دارند؛ یعنی اصلاً تصورشان این است که اگر سکوهای داخلی بیایند، خودش نقض آزادی است و ما باید فقط در فضای سکوهای خارجی فعالیت کنیم و البته منظور از خارجی هم فقط امریکایی است. همین‌ها هستند که به این شایعات و این تصور نادرست دامن می‌زنند؛ یعنی با ساختن طنز، کنایه، هجو و مواردی از این دست موجب می‌شوند که سکوهای داخلی کاملاً بنام شوند. عملاً یک کار سازماندهی شده برای نابودی این سکوهای داخلی است تا این سکوها نتوانند پاگیر و فراگیر شوند و برخی از مردم برای کسب و کاری که دارند مثلاً برای فروش لباس هم نمی‌آیند در سکوهای داخلی اقدام کنند، بلکه می‌روند تلاش می‌کنند در آن سکوی خارجی کارشان را انجام دهند. این جریان از این رفتار سود زیادی هم می‌برد؛ چه سود مادی به خاطر کانال‌های پررونقی که توی سکوهای خارجی دارند و چه بسا سود سیاسی هم ببرند و هر وقت می‌آیند با دامن زدن به این

حرف‌ها که ما رفع فیلتر می‌کنیم، می‌توانند کلی آرا را جذب کنند و کلی اعتبار از بین مخاطبین به دست بیاورند تا بحث‌های مالی و موارد دیگری که وجود دارد.

از طرف دیگر، آشفتنگی که در حوزه سیاست‌گذاری در رابطه با سکوهای جدید وجود دارد، به اوهام و خیالاتی دامن زده که موجب شده عده‌ای تصور کنند یک نفر از نیروهای امنیتی نشسته و شنب و روز دارد پیام‌هایی که من به نام‌زدم یا خانوادهم می‌فرستم را چک می‌کند و نگران است پس فردا این مسئله در دسری برای من رقم بزند. یک پخشش این به خاطر آشفتنگی است که در حکمرانی فضای مجازی داریم.

قوانینی که در حال حاضر در رابطه با باید‌ها و نباید‌های تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی وجود دارد، مربوط به عصر روزنامه و تلویزیون است، در حالی که این پستر جدید قواعد خودش را می‌خواهد و برای این باید متناسب با کاربران و فضایی که وجود دارد قاعده‌گذاری کرد. مثلاً الان در تمام دنیا این بحث نفرت‌پراکنی خیلی مهم است و خیلی سخت‌گیری می‌کنند که شما حق نفرت‌پراکنی ندارید. اگر محتوایی تولید کنید که موجب ایجاد نفرت علیه یک جنس، دین یا نژاد خاص باشد، بدترین مجازات‌ها را علیه شما اعمال می‌کنند.

ما خیلی نسبت به نفرت‌پراکنی حتی در شبکه‌های داخلی بی‌تفاوت هستیم، ولی نسبت به چیزهایی سخت‌گیری می‌کنیم که نباید واقعاً سخت‌گیری شود. باید توجه شود که محتوایی که در چارچوب شبکه‌های اجتماعی تولید می‌شود، ممکن است از محتوایی که در تلویزیون یا روزنامه‌ها تولید می‌شود تندتر باشد. حالا ما افراد را از این شبکه‌های اجتماعی داخلی طرد می‌کنیم و می‌فرستیم به شبکه‌های اجتماعی خارجی که دیگر هیچ قاعده‌ای در این زمینه وجود ندارد و زشت‌ترین و رکیک‌ترین حرف‌ها و دروغ‌ها را دارند آنجا تولید می‌کنند و می‌شنوند که موجب می‌شود ذهن افراد کلاً خراب شود و قدرت تحلیل را از آنها بگیرد.

این موارد در حالی است که اگر شما بتوانید این‌ها را در یک چارچوب حداقلی نگه دارید، ولی حتی مثلاً حرف‌های نامناسب یا مقداری ساختار شکنانه هم بزنند اما در سکوی داخلی باشند، حتماً از جحیت دارد نسبت به اینکه از حیثه فعالیت تو خارج شود و در سکویی که هیچ اختیاری در موردش نداریم و در آنجا بخواهد تولید محتوا انجام دهد.

اینکه اجازه بدهیم افراد آزادانه‌تر حرف‌های خود را در سکوهای داخلی بزنند، می‌تواند چه تأثیری داشته باشد؟

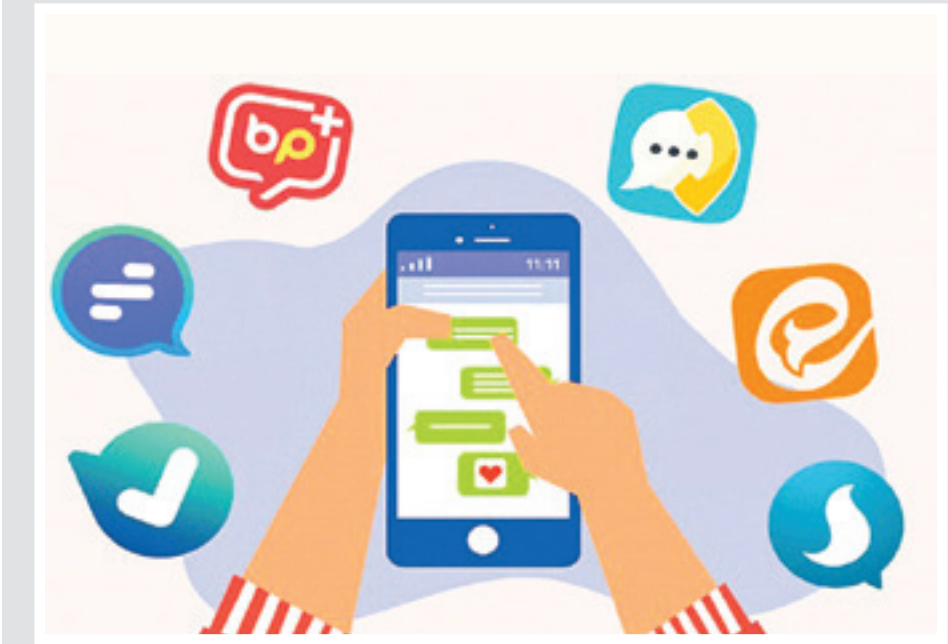
دو اتفاق خوب می‌افتد. یکی اینکه این انگ که ایران مثل بعضی از کشورها خیلی بسته است و افراد حق حرف زدن ندارند، شکسته می‌شود و نشان داده می‌شود خیلی از حرف‌ها در ایران راحت زده می‌شود. مثلاً همین الان ویدئوها و گفت‌وگوهای بسیار انتقادآمیزی در شبکه‌های یوتیوب از سوی ایرانی‌هایی منتشر می‌شود که یک نفر موافق سلطنت و دیگری مخالف سلطنت است، ولی این گفت‌وگو می‌توانست

کاملاً در سکوی ایرانی اجرا شود و این نشان می‌دهد که چقدر آزادی بیان در ایران وجود دارد. این اتفاق بسیار خوبی است که می‌تواند اثرگذار باشد و ابطال این فرض است که ایران آزادی بیان را محدود کرده است و اجازه بیان نظرات را نمی‌دهد، در حالی که رهبر شهید ما پرچمدار جهاد تبیین است و جهاد تبیین به معنای این است که حرف مخالف بزنید و پاسخش را با احترام دریافت کند. کدام یک از رهبران دنیا چنین فرضیه‌ای را به عنوان یکی از ستون‌های نظریه فرهنگ، اجتماعی و سیاسی خودش بیان می‌کنند؟ ما پرچم‌دار این موضوع هستیم که متأسفانه خوب استفاده نمی‌کنیم. نکته دوم این است که حقیقتاً مغز افرادی که در سکوهای خارجی فعال هستند و مخاطب شبکه‌های هستند، تخریب شده است؛ یعنی قدرت استدلال‌شان را از دست داده‌اند.

از پس که دروغ مصرف کرده‌اند و دروغ تولید کرده‌اند، استدلال از بین رفته و تبدیل به سکویی برای تولید نفرت، فحاشی و بد و بیراه گفتن شده است. اگر اقبال عمومی به سمت سکوهای داخلی باشد، ما یک احیا در نگاه شهروندی و رشد در شخصیت افراد را شاهد خواهیم بود. یعنی ما به این نوع تربیت می‌کنیم که می‌گوییم نمی‌خواهیم شبیه ما شوید، ولی استدلال داشته باشید و هر حرف مزخرفی را نپذیرید. تصور من این است که کسانی

پای شبکه‌های اجتماعی خارجی یا شبکه‌های اینترنشنال می‌نشینند و این دروغ را باور می‌کنند که هر کسی که شب در خیابان می‌آید یا ۵ میلیون تومان به او پول می‌دهند یا شام می‌دهند یا پول بزنش‌زار به او می‌دهند و این را باور می‌کنند و متأسفانه باور خیلی از افراد نیز همین است و تصورشان این است که این دروغ‌ها باید دروغ تلقی شود. نشان می‌دهد متأسفانه این فرد دیگر قدرت تحلیلش را از دست داده و باید یک دوره‌ای در کمپی با جایی بگذراند تا قدرت تحلیل خود را بازیابی کند. ما باید جلوی اینکه این گونه مردم ما را ناتوان و علیلاً و لحاظ ذهنی فلج کنند را بگیریم. اگر اجازه بدهیم مردم تا حدی در یک فضای استدلالی‌تر بتوانند حرف‌های خودشان را راحت بزنند و پاسخ بگیرند و اعتمادی صورت بگیرد، یک تربیت و رشدی اتفاق می‌افتد که خیلی مؤثر است.

نکته سوم این هست که همین خلاقیتی که در دفاع از انقلاب اسلامی در ماجراهای لگوها و امیدوارم همین خلاقیت از سوی جبهه انقلاب در داخل کشور تجربه شود. متأسفانه از بس که ما افراد و کسانی که در چارچوب انقلاب فعالیت می‌کنند را در چارچوب‌های ساختگی انداخته‌ایم، نوع تولیدات یکسان، خالی از نوآوری و غیراقتاعی شده است و اگر اجازه بدهیم فضای آزادتر و بازاری‌تر شکل بگیرد، همان مغزی که آنجا دارد آن محتوای جذاب و قانع‌کننده را تولید می‌کند، خیلی بهتر می‌تواند برای کسی که در این فرهنگ پرورش پیدا کرده، تولید محتوا کند تا اینکه بخواهد متناسب با فرهنگ امریکایی تولیدات داشته باشد و حتماً اینجا بهتر می‌تواند خودش را نشان بدهد.



به سکوهای خارجی؛ و دوم، عادت‌سازی تدریجی کاربران و کسب کارها در استفاده روزمره. داده‌های علنی نشان می‌دهد که جنگ ۱۲ روزه و قطعی‌های اینترنت در ۱۴۰۴ این روند را ماندگار کردن کاربران در شبکه‌های خود استفاده کنند.

به سکوهای خارجی؛ و دوم، عادت‌سازی تدریجی کاربران و کسب کارها در استفاده روزمره. داده‌های علنی نشان می‌دهد که جنگ ۱۲ روزه و قطعی‌های اینترنت در ۱۴۰۴ این روند را ماندگار کردن کاربران در شبکه‌های خود استفاده کنند.

روایت پنج‌ساله عضوگیری در شبکه‌های اجتماعی داخلی

عضوگیری داخلی خاموش نبوده، فقط سرعتش نوسانی و وابسته به تصمیم‌های سیاسی، محدوددهای اینترنت و کیفیت تجربه کاربری بود.

نقطه مهم بعدی، زمستان ۱۴۰۲ است؛ جایی که سازمان فناوری اطلاعات طبق گزارش زومیت اعلام کرد شد پیام‌رسان ایرانی در مجموع بیش از ۱۰۷ میلیون کاربر فعال ماهانه دارند. در همان گزارش، روبیکا با ۴۴ میلیون و اینتا با حدود ۳۰ میلیون بیشترین سهم را داشتند و درباره اینتا هم آمده بود که در ۱۸ ماه، رشد ۸ برابری را تجربه کرده است، در حالی که روبیکا در همان بازه سه برابر شده بود. این عده‌ها نشان می‌دهد که تا پیش از جنگ اخیر، داخلی‌ها دیگر فقط جایگزین اضطراری نبودند، بلکه به یک زیست‌بوم پر حجم تبدیل شده بودند که هم به ارتباط روزمره و هم به کاتال‌های خبری و کسب‌وکارها منتهی بود. اما جهش اصلی را باید در سال ۱۴۰۴ و به ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه و موج‌های اختلال اینترنت دید. وزیر ارتباطات صراحتاً گفت که در شرایط جنگی، حجم قابل توجهی از ترافیک تقاضای مردم به سمت پیام‌رسان‌های داخلی سرازیر شد. زومیت هم بر پایه گزارش عملکرد سازمان فناوری اطلاعات نوشت که سه دوره قطعی اینترنت در سال ۱۴۰۴ از جمله جنگ ۱۲ روزه، اغتشاشات دی‌ماه و جنگ تحمیلی سوم موجب افزایش اقبال کاربران به سکوهای داخلی شده است. بر اساس همان گزارش، تا ۲۶ اسفند ۱۴۰۴ روبیکا به ۵۵/۵ میلیون کاربر فعال ماهانه

عده‌هایی که معمولاً در خصوص



روند رشد شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌های داخلی مطرح می‌شوند، اغلب «کاربر فعال ماهانه» یا MAU هستند؛ یعنی کسی که دست کم یک‌بار در طول ماه از آن سرویس استفاده کرده است. خودِ بله در توضیح تبلیغاتش به همین شاخص استناد می‌کند و اینتا نیز در تعریف رسمی‌اش MAU را مبنای مقایسه با سایر شبکه‌ها می‌داند. بنابراین، وقتی از رشد حرف می‌زنیم، منظور فقط تعداد نصب یا ثبت‌نام نیست، بلکه میزان استفاده واقعی در یک بازه زمانی است.

اگر به نخستین داده‌های علنی این چند سال برگردیم، می‌بینیم که بازار داخلی از همان ابتدا هم کم‌عدد نبود، اما هنوز فاصله زیادی با شبکه‌های خارجی داشت. در اوایل سال ۱۴۰۲، وزیر ارتباطات وقت گفته بود روبیکا حدود ۴۰ میلیون کاربر فعال ماهانه دارد، بله حدود ۵۱۶ میلیون و سروش پلاس حدود ۵۱۰ میلیون. چند ماه قبل‌تر، در زمستان ۱۴۰۱، همان وزارتخانه برای اینتا از جهشی صحبت می‌کرد که این پیام‌رسان را از حدود ۳ میلیون کاربر فعال در چند ماه، به ۱۹ میلیون رسانده بود؛ در همان گزارش، این رشد در دست در زمان فیلترشدن واتساپ و اینستاگرام برجسته شده بود. در کنار آن، بله در بهار ۱۴۰۱ حدود ۱۱ میلیون کاربر فعال ماهانه داشت. این داده‌ها نشان می‌دهد که پیش از دوره جنگ و بحران‌های بعدی هم، موتور